

دیپلماسی فردا

بازداشت گسترده شاهزاده‌های سعودی به اتهام فساد

جامعه فردا؛ پادشاه عربستان سعودی دو تن از مقام‌های کلیدی در سیستم سیاست‌گذاری و رهبری این کشور را تغییر داده و دست‌نور بازداشت شماری از شاهزادگان، وزیران فعلی و پیشین عربستان را به اتهام فساد صادر کرده‌است. برآوردها حاکی از این است که تغییرات در راستای تحکیم پایه‌های قدرت محمد بن سلمان، ولیعهد جوان آن کشور انجام شده است.

گزارش شده است که فرمانده گارد ملی سعودی و فرمانده نیروی دریایی این کشور برکنار شده‌اند. بنابر گزارش خبرگزاری دولتی سعودی، ملک سلمان، پادشاه عربستان، شاهزاده متعب بن عبدالله بن عبدالعزیز، فرمانده گارد ملی و در یادار عبدالله بن سلطان بن محمد آل سلطان را بدون آن که توضیحی رسماً ارائه شود، اخراج کرده است. متعب بن عبدالله، فرمانده برکنار شده گارد ملی، فرزند ملک عبدالله، پادشاه فقید عربستان است.

براساس گزارش رسانه‌ها، صبح روز یک‌شنبه ۱۴ آبان، کمیته مبارزه با فساد عربستان دستور بازداشت ۱۱ شاهزاده، چهار وزیر فعلی و ده‌ها وزیر و مقام پیشین آن کشور نیز صادر کرده است. رئیس کمیته مقابله با فساد محمد بن سلمان است. هنوز اتهام‌های بازداشت شدگان معلوم نیست. بنابر گزارش خبرگزاری دولتی عربستان سعودی، این کمیته قدرت صدور قرار بازداشت و ممنوع‌الخروج کردن متهمان را دارد.

نام و هویت بازداشت‌شدگان و جزئیات اتهام‌های واردشده به این افراد مشخص نشده‌است؛ اما خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از مقام‌های شرکت «کینگ هولدینگ» می‌گوید ولید بن طلال بن عبدالعزیز، رئیس این شرکت در میان بازداشت‌شدگان است. ولیدبن طلال بن عبدالعزیز، میلیاردر سعودی، یکی از ثروتمندترین افراد غرب آسیاست و در شرکت‌های مختلفی از جمله توئیترا، اپل، بینگنا خبری روبرت مرداک و یاشرکت خدمات مالی «سیتی‌گروپ» سرمایه‌گذاری کرده است.

به گزارش ایلنا، روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی دربارهٔ مگان بازداشت شاهزاده‌های سعودی که حکم بازداشت‌شان شب گذشته به اتهام «فساد» صادر شد، گفته‌است: کرده‌است.نیویورک‌تایمز نوشت، عصر شنبهٔ ۱۵ آبان، «ریتز کارلتون» مکان ریاض تخلیه شد. هم‌زمان با این تخلیه، برخی اطلاعات تأیید نشده به‌دست آمده است که این هتل احتمالاً برای بازداشت شاهزاده‌های که حکم حبس‌شان صادر شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این در حالی است که امکان زوررو اینترنشنلی اتاق‌های این هتل نیز وجود ندارد.

نیویورک‌تایمز خاطر نشان کرد شایعاتی وجود دارد مبنی بر این که امکان پرواز هواپیماهای خصوصی در فرودگاه‌های عربستان وجود ندارد تا بدین ترتیب تاجر مظنون، نتواند از کشور فرار کند.

دو وزیر تازه نیز از طرف پادشاه عربستان برای وزارتخانه‌های کلیدی در امور امنیت داخلی و اقتصادی آن کشور تعیین شده‌اند. بنا بر اعلامیه رسمی از سوی پادشاهی عربستان که در تلویزیون دولتی العربیه منتشر شده، خالد بن عیاف، به‌جای شاهزاده متعب بن عبدالله، فرماندهی گارد ملی (الحرس الوطنی) را بر عهده گرفته‌است. گارد ملی عربستان یکی از سه شاخه اصلی نیروهای مسلح آن کشور است و تحت نظارت و وزارتخانه‌ای به‌همین نام اداره می‌شود.

در بازه‌ای از زمان، و پیش از اوج گیری قدرت محمد بن سلمان، ولیعهد فعلی، از متعب بن عبدالله به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی رهبری احتمالی عربستان، نام برده می‌شد. متعب بن عبدالله، واپسین عضو مستقیم خانواده‌ملک عبدالله، پادشاه پیشین عربستان، بود که کنترل یک بخش مهم از دستگاه رهبری عربستان را بر عهده داشت.

پیش از این در تابستان گذشته خبرگزاری رویترز در گزارشی در مورد جریان تغییر ولیعهد عربستان و جای‌جایی قدرت از محمد بن نائف به محمد بن سلمان، به نقل از منابع سعودی گزارش داده بود تنها سه نفر با این جای‌جایی مخالفت کرده‌اند؛ نماینده خانواده ملک عبدالله در رأس دستگاه رهبری، شاهزاده محمد سعد و وزیر پیشین کشور. ولیعهد عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، دوازدهمین فرزند عبدالعزیز آل سعود، در بهمن ماه ۱۳۹۲ درگذشت.

بازی ائتلاف‌ها

- فاروق نجم‌الدین**

کارشناسی ارشد علوم ارتباطات

دولت سعد الحریری، محصول مصالحه‌ای بود که یک‌سال پیش میان نیروهای سیاسی حاکم بر لبنان منعقد شد؛ مصالحه‌ای که یک پای آن را حزب‌الله لبنان تشکیل داده بود. دوره ریاست جمهوری میشل سلییمان مدت‌ها تمام شده بود و او حاضر نبود دوره ریاست خودرا تمدید کند، او حتی حاضر نشد از مجوزهای قانونی مجلسی‌ها برای تداوم ریاستش استفاده کند. پست ریاست‌جمهوری دو سال تمام بدون متصدی مانده بود. نیروهای ائتلاف ۱۴ مارس که جریان المستقبل (حزب سعدالحریری)، حزب سوسیالیست ترقی‌خواه و قوای لبنان را در بر می‌گیرد، اصرار داشت که

سمیر جعجع را کاندید ریاست‌جمهوری لبنان کند؛ اما سرانجام این حرف ائتلاف ۸ مارس به رهبری حزب‌الله لبنان بود که به کرسی نشست و میشل عون (رهبر مسیحی همسو با حزب‌الله) را راهی کاخ بعدیاد کرد. در مقابل، نیروهای ائتلاف ۸ مارس پذیرفته بودند که کابینه‌ای ائتلافی از مجموع نیروها به ریاست سعد الحریری تشکیل شود. دولت حریری سرانجام در نوامبر/ آبان ماه گذشته پس از کش‌وفوس‌های فراوان رنگ حقیقت به خود گرفت. با گذشت یک سال، اکنون حریری حس می‌کند که در تمام مدت، قدرت کافی برای اجرای تصمیماتش نداشته است، او حزب‌الله را ملامت می‌کند که دولتی در درون دولتش شکل داده است. تظاهرات چند هفته پیش مردم حاشیه بیروت موسوم به «ضاحیه» نمونه بارزی از نفوذ حزب‌الله در امور اجرایی بود. موضوع از این قرار بود که شهرداری این منطقه طبق مصوبه‌ای دستفروش‌های این منطقه را جمع‌آوری کرد،

اما دستفروش‌ها و مردم ساکن در منطقه، تمام اعتراض‌ها و شعارهای خود را متوجه حزب‌الله کردند. ما کاری به انگیزه‌های واقعی این اعتراض‌ها نداریم؛ اما حقیقت امر این است که ساکنان منطقه طی سال‌های گذشته می‌دانستند که تصمیمات مربوط به این منطقه بدون جلب نظر تشکیلات حزب‌الله صورت نمی‌گیرد. در سطح سیاست‌های کلان نیز عملیات گسترده حزب‌الله در منطقه هر سال واقع در مرز سوریه به‌نمونه بارز دیگری از اقدامات مستقل از دولت بود که توسط حزب‌الله انجام گرفت؛ عملیاتی که سرانجام به بیرون راندن نیروهای داعش از این منطقه انجامید. واحدهایی از ارتش نیز در کنار نیروهای حزب‌الله در این عملیات شرکت داشتند، اما غرفه فرماندهی عملیات گویا در ستاد تشکیلات حزب‌الله منعقد می‌شد. توافق‌های نهایی برای انتقال نیروهای باقیمانده داعش به سمت شرق سوریه نیز با طرف‌شدن حزب‌الله صورت گرفت. اکنون اما سعد الحریری از اینکه

«حزب‌الله جنگ داخلی سوریه را به درون لبنان کشانده» به فغان آمده است. زخم‌ها و دعواهای گذشته دوباره سر باز کرده است. «سلاح‌های حزب‌الله باید تحت کنترل دولت باشد» و «حزب‌الله باید به صورت تشکیلات سیاسی درآید»… و عملیات تحلیلملگران سیاسی، طرفدار محور مقاومت بر این باورند که حریری با استعفای خود قصد دارد بازی را به هم بزند. برخی حتی پا را از این هم فراتر می‌نهند و معتقدند که استعفای او ممکن است پیش‌زمینه‌ای برای حمله مجدد اسرائیل به لبنان بوده باشد و از هم اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که حزب‌الله این بار با توجه به تسلیحات جدیدش پیروزمند جنگ آینده خواهد بود. عبدالباری عطوان سردبیر روزنامه رأی‌الیوم می‌نویسد: «سؤال این نیست که حمله اسرائیل کجا‌صورت خواهد گرفت، بلکه آن است که این حمله کی و چگونه انجام خواهد شد». به سادگی باید گفت که این نوع از پیشگویی‌ها پیش از آنکه تحلیل واقعیت باشد،



صحنه آرایبی ریاض، واشنگتن و تل آویو در شب فتنه

آغاز جنگ سوم

- مرتضی سیمپاری**

روزنامه‌نگار

«شب مخوفی بود، نخست‌وزیر استعفا داد، بمن به ریاض موشک شلیک کرد و پرنسس‌های عربستانی هم بازداشت شدند» اینها را علی هاشم، روزنامه‌نگار «شبکه‌المیادین» در توئیتر خود نوشته است، اما آثار حوادث روی داده در این شب سخت تا مدت‌ها ادامه خواهد داشت، درست مانند شبی که عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن از کاخ معاشیق به ریاض رفت و ایران را متهم کرد، که در یمن آتش تفرقه را افروخته است.

سعد حریری نیز انگار همین شیوه را برای خود انتخاب کرده است، او در تلویزیون العربیه ظاهر شد و ادعا کرد: «لبنان در جنگ ایران است، در ایران به هر جا که می‌رود وحشت و ویرانی به‌بار می‌آورد.» او می‌گوید، می‌روم تا سرنوشت پدرم را تجربه نکنم. اما دولت یازده ماهه او با بدهی و فساد همچنان باقی مانده است. لبنان آنقدر تحت فشار قرار دارد که بودن یا نبودن حریری برایش فرقی نداشته باشد، کشوری که دوسال رئیس‌جمهور

نداشت و حالا می‌تواند دو یا سه سال یا حتی بیشتر نخست‌وزیر هم نداشته باشد، بیروت پایتخت لبنان بیش از آنکه درگیری سیاسی برایش اهمیت داشته باشد، جمع‌آوری زباله‌ها از سطح شهر را می‌خواهد. بعد از پایان نمایش تبلیغاتی حریری ثامر صباحان، وزیر مشاور عربستان در امور خلیج فارس و منتقد صریح ایران، در مصاحبه‌ای ادعا کرد: «حزب‌الله حزب شیطان است، هر چند ما حریری را تحریریک به استعفا نکردیم، و اگر او باز گردد سرنوشتی شبیه پدرش خواهد داشت.» اشاره او به ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ در روز ولنتاین نیز، در آن زمان حزب‌الله متهم به این اقدام شده بود، حزب‌الله لبنان اسما در واکنش به این موضوع در بیانیه‌ای می‌گوید «عربستان به‌دنبال فتنه در لبنان است.»

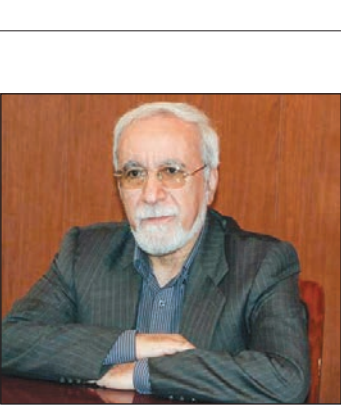
پای سوریه در میان است

اما عربستان از چه چیزی عصبانی است که حریری را هم وارد معادلات کرده است؟ پیش از استعفا حریری چندتن از مقامات ارشد دولت پاراک اواما گفته بودند که برخی پیام‌های هماهنگ‌شده در

سعودی به‌ویژه محمد بن سلمان چندین بار قبل از استعفا، با سعد حریری دیدار کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد آن‌ها و را به سمتی برده‌اند تا با ایجاد شکاف شیعه و سنی فضای سیاسی درون لبنان را بر علیه حزب‌الله آماده کنند. در واقع عربستان با هماهنگی با دونالد ترامپ، می‌خواهد یک ائتلاف جدید ایجاد کند و خود را برای حمله به حزب‌الله آماده کند؛ ائتلافی که البته مهمانی همیشگی هم دارد؛ اسرائیل بدش نمی‌آید این‌بار با شرکای عربی وارد میدان شود. عربستان بر طبل جنگ در منطقه می‌کوبد؛ انعکاس صدای آن نیز در دور و نزدیک خاورمیانه شنیده می‌شود؛ استعفا حریری پژواک همین صدای عربستان است. عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه رأی‌الیوم می‌نویسد: «فضای کنونی لبنان شبیه فضای قبل از حمله اسرائیل به جنوب این کشور در سال ۱۹۸۲ است یا یک تفاوت اساسی و آن اینکه حزب‌الله سازمان‌آزادبخش فلسطین نیست.»

دولت پاتریوت و بالستیک

در همان لحظات که حریری استعفا داد، موشک بالستیک یعنی به‌سوی فرودگاه ریاض شلیک شد، البته موشک رهگیری و منهدم شد. عربستانی‌ها می‌گویند این موشک برای ریاض پیمان دهد، آمریکا و عربستان می‌خواهد ایران تنها بماند، آنها در مرحله اول به‌دنبال حذف شرکای استراتژیک تهران هستند، اما مهره‌های ایران روی میز بازی درست جابه‌جانی شود. عربستان و آمریکا می‌خواهند حزب‌الله را وارد جنگ کنند. عبدالباری عطوان می‌نویسد: «جنگ سوم لبنان در راه است.»



در سوریه حوادث و رویدادهایی شکل گرفته که عربستان مجبور شده با کارت حریری بازی کند، شراکت حزب‌الله در حکومت و پارلمان یک واقعیت در لبنان است و حریری این موضوع را پذیرفته است. در لبنان هرچقدر هماهنگی پارلمان، رئیس‌جمهور و رئیس دستگاه اجرایی بیشتر باشد، رژیم‌های عربستان و اسرائیل بیشتر ناراحت می‌شوند، حتی در دوران حریری پدر نیز همین‌گونه بود، هماهنگی بین نیروها در لبنان ضروری است. لبنان دموکراسی توافقی است، واقعیت لبنان آن چیزی نیست که رسانه‌های سعودی بیان می‌کنند، نه حریری و نه حزب‌الله به‌تنهایی نمی‌توانند اقدامی انجام دهند، برای همین توافق در لبنان همیشه از همه چیز بیشتر اولویت دارد.

حریری از لبنان رفته است؛ او گمان می‌کرد می‌تواند احساسات لبنانی‌ها

نوعی گمانه‌زنی است که جهت کوبیدن رقیب سیاسی به کار می‌رود.

مهمتر از هر چیز، آن است که نیروهای ذریبط باید راهکار مناسبی برای ورود به مرحله بعد ارائه دهند. لبنان به قول ولید جنبلاط «کوچکتر و ضعیف‌تر از است که عواقب تنش‌های بزرگ سیاسی و نظامی را تحمل کند». بهترین سیاسی که تاکنون از متلاشی شدن لبنان جلوگیری کرده، خودداری آن از ورود به بحران‌های منطقه‌ای بوده است. به اعتقاد من حزب‌الله لبنان در عین حال که وفاداری خود را به مقاومت نشان داده، این منطق را به خوبی فهمیده و علی‌رغم برخی شعارها، هیچ‌گاه برای بروز بحران پیشدستی نکرده است. اگر این منطق از سوی نیروهای داخلی و نیز منطقه‌ای درک شود، می‌توان انتظار داشت که لبنان این بار نیز از بحران عبور کند. لبنان دو سال بدون رئیس‌جمهور سیری کرد و چه بسا مدتی هم بتواند بدون دولت، اما بدون بحران سیری کند.

منطقه نیز در امان نخواهند بود اما پیام ترامپ آنقدر واضح است که نیازی به رمز گشایی دیپلماتیک ندارد؛ او به‌صورت مستقیم ایران را متهم به حمله نظامی به عربستان کرده است و زمین را برای پروازهای بزرگ در آینده آماده می‌کند. نقشه‌ای که احتمالاً بسا درگیر کردن حزب‌الله با جنگی جدید کلید خواهد خورد.

روشن کردن آتش

لبنان کشور توافقات شگفت‌انگیز است، حریری شعله‌های جنگ سوم در لبنان را روشن کرده است؛ این نوسیاستمدار در ریاض می‌گوید، جانش در خطر است. اما تا همین چند روز پیش در بیروت به‌راحتی رفت‌وآمدهای دیپلماتیک می‌کرد. او زمانی که پذیرفت میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان شود، همه چیز را بخته بود. او می‌دانست که حزب‌الله قادر است تا نظام سیاسی ملی این کشور را به‌طور کامل متوقف کند. این امر در طی چندین سال گذشته نیز اتفاق افتاد و شرایط را در بخش‌هایی همچون بدهی‌های خارجی، تولید برق، انتقال و توزیع آب و دیگر بخش‌های خدماتی ضروری بسیار وخیم کرد تا جایی‌که موجب بروز مشکلات و درسرهای بسیاری برای اکثر مردم این کشور شد؛ مردمی که همواره و به‌طور متناوب مراتب اعتراض خود را نسبت به رهبران فرقه‌ای لبنان که حکومت این کشور را به‌دست گرفته‌اند، نشان داده‌اند. اما برای حریری سخت بود که بپذیرد سنی‌ها هیچ سهم مهمی در لبنان نداشته باشند؛ برای همین زیر بار توافقی احساسی رفت و گفت: «برای لبنان و ملت‌م پذیرفتم.» او انگار این‌بار احساساتش توسط عربستان تحریک شده است و آن‌ها خیلی خوب می‌دانسته‌اند که چطور حریری را وارد این بازی خطرناک کنند.

استعفا او یازلی از نقشه عربستان و آمریکابرای درگیری نظامی با اسرائیل است تا بتواند آنها را از سوریه دور کند. حریری با عجله تمام به ریاض می‌رود، ارتباطات دیپلماتیکش را با لبنان قطع می‌کند تا جایی که جبران باسبیل، وزیر خارجه لبنان می‌گوید غافلگیر شدم؛ شاید حریری در رویاهایش بازگشت به لبنان روی تانک‌های سعودی را دارد، همین آرزو را منصور هادی رئیس‌جمهور یمن هم در سر دارد. حریری آتش را روشن کرده است، اما این پایان ماجرا نیست.

پاسخ‌های سرد تهران

از روز گذشته تهران مورد حمله دیپلماتیک عربستان، حریری و ترامپ قرار گرفته است؛ اما پاسخ‌های تهران آنقدرها هم داغ نیست. در شبکه‌های مجازی اشاره دهان‌به‌دهان می‌چرخد که بعد از سفر ولایتی به لبنان او مجبور به استعفا شده است، اما تهران پاسخ دقیقی نمی‌دهد و همین باعث می‌شود ابهامات ماجرا بیشتر شود. بهرام قاسمی می‌گوید سفارت‌پوهایی خودنی طراحی شده است و رابطه با رئیس‌جمهور لبنان خوب است؛ این پیام برای آذهان عمومی کافی نیست، لازم است تهران سطح دیالوگ منطقه‌ای را افزایش دهد، آمریکا و عربستان می‌خواهد ایران تنها بماند، آنها در مرحله اول به‌دنبال حذف شرکای استراتژیک تهران هستند، اما مهره‌های ایران روی میز بازی درست جابه‌جانی شود.

عربستان و آمریکا می‌خواهند حزب‌الله را وارد جنگ کنند. عبدالباری عطوان می‌نویسد: «جنگ سوم لبنان در راه است.»

را علیه ایران بشورانند، آیا توانسته موفق باشد؟
تلاشش را کرد، اما شکست خورد. او به مردم لبنان توپهن کرده است، نه به‌خاطر اینکه علیه ایران موضع گرفته است، بلکه به‌خاطر اینکه در کشوری دیگر استعفا داده است.
آیا در لبنان دموکراسی توافقی و تأکید بر هویت مذهبی یا نژادی می‌تواند ناسیونالیسم را تحریک کند تا به‌تعبیر شما مردم از رفتار او آزرده باشند؟
این جز ناسیونالیستی وجود دارد، حسن اتحاد و عزت نفس در مردم وجود دارد و آنها در مجموع زیر یک پرچم جمع شده‌اند. اینکه حریری وابسته به سعودی باشد برای مردم لبنان باعث دلخوری می‌شود، او می‌توانست در بیروت بماند و استعفا دهد؛ شاید آن موقع بهتر می‌توانست روح ناسیونالیستی لبنانی‌ها را بیدار کند.
احتمال جنگ داخلی در لبنان چقدر به واقعیت نزدیک است؟
سازمان‌های امنیتی حمله به تسلیحات زیادی را وارد لبنان کرده‌اند، در سفارت ایران این موضوع را دیدم؛ یا حمایت از احمدالاسیر در جنوب لبنان یا رساندن کمک‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی به داعش، از بر نامه‌های عملیاتی و امنیتی سعودی است؛ جنگ داخلی وجود است، حریری توان اقدام نظامی در لبنان را ندارد اما می‌توانست فضای ایجاد کند که اسرائیل با حزب‌الله وارد جنگ شود.